

## (( اسلام دشمن خرافات است ))

مبدء تنجيم يا علم باحكام نجوم - چلكه نسبتا وسيعی كه در مجاورت كوههای مغرب ايران قرار دارد و دو رود بزرگ دجاء و فرات از آن ميگذرد ( بين النهرين کنونی ) در قدیم سرزمین كلدان و آشور نامیده ميشد كلدانیها و آشوریها از بنی سامند و قدمت تاريخی آنان قطع نظر از ادعای كاهنان كلدانی از روی نوشته ها نيکه بدست آمده از چهل و پنج قرن پيش از ميلاد مسيح تجاوز نميكنند يکی از پادشاهان مشهور كلدانی حمورابی است كه دوهزار و دوست و چند سال پيش از ميلاد سلطنت ميكرده است اين پادشاه کسی است كه برای تنظيم امر آبياری و قضاوت و امور جنائی و حقوق زنان و كشتيرانی و غيره موادی نوشته و بر سنگ نقر کرده است كه توسط هيئت حفاری مسيو ( و مردكان ) فرانسوی در شوش بدست آمده است مورخين مبدء علم طب و ستاره شناسی را از كلدانیان ميدانند مذهب كلدانیان قدیم بر پایه ترس و امید نهاده شده بود عالم را بر اثر موجودات آزار دهنده دانسته و از تاریکی و كواكب و آثار جوی سخت هراسناك بودند و از نظر نيك و بد و خير و شر برای ستارگان تاثیر تمامی در زندگی مردم تصور ميکردند و عقیده داشتند كه باورد ها و ادمهه و الفاظ مخصوصی كه بوسیله ساحران و جادوگران ادا ميشد می توان دفع ضرر موجودات نامبرده را كرد از جمله عقاید مذهبی این قوم پرستش رب النوع ها و عقیده بسعد و نحس كواكب است كه موضوع بحث ما است كلدانیان محل ارباب انواع را در آسمان ميدانستند و به هفت رب النوع عمده قائل بودند - سين - رب النوع بزرگ كه مظهر آن ماه و عطارد است شمس مظهر آن خورشید رب النوع روشنائی - نپو مظهر آن عطارد رب النوع دانش - ایستار مظهر آن زهره رب النوع جنك و عشق - فرمال مظهر آن مریخ رب النوع شجاعت - ماردوك مظهر آن مهتری خدای شهر بابل - نی نيمپ مظهر آن زحل رب النوع قدرت باید دانست كه غير از این ارباب انواع بزرگ رب النوع های دیگری نیز مورد پرستش و تقدیس آنان بودند - رمان خدای آسمان و طوفان و غيره - كلدانیان عقیده داشتند كه این كواكب و غير آنها خدایان توانائی هستند كه در نيك و بد زندگی مردم تاثیر بسرا داشته و هر لحظه ميتوانند بشری را مورد بی مهري خود ساخته و زندگی او را تار و مار كنند و برای هر كس ستاره ای باطالع مخصوصی قائل بوده و باوقات سعد و نحس سخت معتقد بودند و نيك بخشي و سعادت هر كسی را در سایه وضع ستاره او مينداشتند

از توجه به حقایق تاریخی معروض در بالا واضح شد که اعتقاد به سعد و نحس اوقات و ساعات و تاثیر کواکب در سرنوشت بشر از یادگارهای دوره ابتدائی تاریخ بشر است و آنچه مقاسفا در میان ما بنام تقویم هر ساله منتشر میشود و مؤمنین باولع و شوق وافر آنرا خریده و باحکام آن از شاید و نشاید و نیک است و بد است و سعد یا نحس است در موقع پیش آمدها مراجعه و عمل میکنند و توجه ندارند که این نوشتهها خرافاتی بیش نبوده و از بقایای عقاید موهوم کلدانیان ستاره پرست قدیم است که منشأش جزیمیم که اساس عقیده آن قوم بوده چیز دیگری نیست .

اسلام و علم تنجیم - چنانکه در گفتار پیش بعرض خوانندگان گرامی رسید دین مقدس اسلام در نبرد با خرافات ورد نظریه موهوم پرستان چیزی فرو گذار نکرده و تربیت شدگان مکتب نبی اکرم برای روشن ساختن عقول و افکار مردم مسلمان و حمایت از حقیقت و نشر فضیلت سعی وافیه و کوشش کافی کردند باید دانست علم تنجیم یا احکام نجوم را که اسلام حکم بحرمت آن داده با علم هیئت و نجوم نباید اشتباه کرد زیرا علم هیئت و نجوم یعنی علم باوضاع افلاک و موجودات آسمانی و سیر کواکب و استخراج اوقات سال و ماه و خسوف و کسوف و غیره علمی است شریف و لازم و مورد حمایت اسلام و مبنای آن روی علوم تجربی و ریاضی است و نظر اسلام در منع علم تنجیم باین نوع از دانش نجومی نیست بلکه راجع به تنجیم با احکام نجوم است.

تنجیم چیست؟ - تنجیم با اصطلاح علمی را گویند که در آن از نزدیک و دور شدن ستارگان و اوضاع فلکی فیما بین آنها حکم بشود که در عالم عنصری تاثیر نیک و بد و خیر و شر دارد این با اصطلاح علم چنانکه در تاریخ پیدایش آن در کلدانیان بعرض رسید بر اساس عقیده بروحانیت کواکب است و اینکه اجرام آسمانی نفوذ معنوی در عالم عنصری دارند و بواسطه اتصال بروح آن کواکب بر ریاضت و غیر آن اطلاع از اسرار نهانی حال و آینده برای شخص پیدا میشود البته منجمین مسلمان برای کواکب چنین اثری قائل نیستند و دستورهایی اسلامی آنانرا از اتخاذ چنین عقیده بر حذر داشته است در نهج البلاغه از سخنان مولی علیه السلام چنین نقل شده که در زمانی که حضرتش عزم سفر پست بلغیان خوارزم داشتند منجمی ( از نوع دوم ) بعرض رسانید که من از علم با احکام نجوم دریافتم که اگر در این وقت حرکت کنید خیری ندیده و از نیل بمقصود باز میمانید حضرت در رد نظریه و بی ارزشی گفتار و تخطئه دانش او فرمود تو گمان داری ساعتی را که هر کس در آن ساعت حرکت کند شر و بدی از او دور میشود رهنمائی میکنی؟ و میترسانی از ساعتیکه اگر در آن ساعت حرکت کند از هر طرف بدی و ضرر باو احاطه خواهد کرد؟ چنین گمانی بیجا است هر کس ترا در این ادعا تصدیق کند تکذیب قرآن کرده و در رسیدن بدلخواه و دفع ناپسند از خود در کمک جوئی از خداوند خود را بی نیاز شمرده چون بزعم خود او را از ساعتیکه در آن برفع رسید و

از ضرر محفوظ ماند رهنمائی گردی پس بجای حمد و ستایش آفریدگار از طرف  
آن شخص که گفته تو را بکار بست توقع ستایش خود را از وی خواهی داشت  
سپس روی بر مردم کرد و فرمود از علم با احکام نجوم بهره‌ی زیدنه علم نجوم  
که وسیله هدایت در پرو بجر است زیرا احکام نجوم بفریبگویی کشیده میشود  
منجم بمنزله غیبگو است و غیب‌گو مانند ساحر و ساحر بمنزله کافر است  
و کافر در دوزخ - مردم بنام پاک خدا حرکت و سفر نمایند در مورد دیگر  
که منجمی دیگر آنحضرت را از حرکت در وقتی منع کرده بود فرموده آنها  
میدانی بچه‌ایکه در شکم این حیوان است نر است یا ماده او گفت اگر حساب  
کنم خواهم دانست حضرت فرمود هر کس ترا در این گفته راست بداند تکذیب  
قرآن کرده است ان الله عنده علم الساعة وینزل الغیث و یعلم ما فی الارحام الاية  
( علم غیب و نزول باران و جنین در شکم خاص خداست ) سپس فرمود محمد (ص)  
چنین ادعائی که تو داری نداشت بعد همان فرمایش بسی نیازی از استعانت از  
خدا و دفع ناپسند الی آخره که در بالا ترجمه آن بعرض رسید بیان فرموده اینک  
ملاحظه میفرمائید که امام علی ابن ابیطالب آن سرسلسله خدای پرستان مبارز  
که از آغاز کودکی دمی باشک دمساز نبوده و با آن حسن ابتلا بیکه در دوران  
حیات پر افتخارش در راه پیشرفت هدف عالی اسلام که ریشه کن ساختن شرک و فساد  
اعمال بشری است از آن بزرگوار بظهور رسید چگونه بمنظور حمایت از توحید  
محض اسلام در دفع خرافات احکام نجوم ( تنجیم ) و رد عقیده باطل تاثیر تقارن  
و اتصالات کواکب در خیر و شر مردم و مخالف بودن آن با توحید و خداپرستی  
به بهترین و روشن‌ترین بیانی سخن میگوید و مردم را از این خرافات برحذر  
می‌دارد بطوریکه برای کسی جای انکار باقی نمی‌ماند و از تامل در تاریخچه  
ستاره شناسی در میان کلدانیان که معروفین افتاد آشکار میشود که اصل این عقیده  
چه منشاء خرافی و شرک آمیزی داشته است و جای بسی افسوس است که ماسلمین  
بواسطه جهل بتعلیمات عالیه پیشوایان دین و پیشروان حقیقت و یقین چگونه از هدف  
مقدس اسلام دور و از نظر توحید و یکتاپرستی و آلوده ساختن آن بشرک آشکار  
و نهان مهجوریم کوئی این حقیقت را که لا موثر فی الوجود الا الله بها نگفتند  
و قل کل من عند الله فراموش گردیده ( هر آنکه زرع و نخیل آفرید و روزی  
داد - ملخ بخوردن روزی هم او فرستاده است ) پس چقدر بسی اساس گفته آن  
شاعر ( که سعد و نحس زتائیر زهره و زحل است ) زیرا ( چرخ از توهزار  
بار بیچاره تر است ) امید که بفضل خدا در گفتار دیگری عقاید بزرگان دین  
و فقهاء و فلاسفه اسلامی را در سخافت تنجیم بقدر مقدور بعرض خوانندگان گرامی  
برسانم الحمد لله الذی هدانا لهذا وما كنا لنهتدی لولا ان هدانا الله